



دانشگاه تبریز

دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی

گروه زبان و ادبیات فارسی

پایاننامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فارسی

عنوان

حیات، ممات و معاد در دیوان سنایی

استاد راهنما

دکتر اسدالله واحد

استاد مشاور

دکتر خلیل حدیدی

پژوهشگر

منیره احمدی پور

بهمن ۸۸



نام خانوادگی دانشجو : احمدی پور	نام : منیره
عنوان پایان نامه : حیات ، ممات و معاد در دیوان سنایی	
استاد (استادان) راهنما : دکتر اسدالله واحد	
استاد (استادان) مشاور: دکتر خلیل حدیدی	
مقطع تحصیلی : کارشناسی ارشد رشته : زبان و ادبیات فارسی گرایش : محض دانشگاه : تبریز	
دانشکده : ادبیات فارسی و زبانهای خارجی تاریخ فارغ التحصیلی : بهمن ۸۸ تعداد صفحه : ۲۴۰	
کلید واژه ها : حیات- ممات - معاد- سنایی	
<p>چکیده :</p> <p>حیات، ممات و معاد از جمله مهمترین موضوعاتی است که در آثار شاعران و نویسندگان زبان فارسی همچون سنایی تأثیر به سزایی داشته است. از این رو شناخت درون مایه های اشعار وی پیوند عمیقی با سه محور حیات، ممات و معاد دارد. سبک و شیوه جدید، افکار عرفانی، فلسفی و اوضاع مذهبی و کلامی سنایی سبب شده این موضوعات در دیوان اشعار وی دارای نمود و اهمیت بیشتری باشد. او با پرداختن به مفاهیم عرفانی به جهان هستی، مرگ و رستاخیز رنگ عرفانی و آرمانی بخشیده است. بدیهی است هر گاه یک شاعر درباری و دنیاگرا مانند سنایی به عارفی وارسته و خداجو تغییر یابد ناگزیر نگرش های وی نیز در زمینه های حیات، ممات و معاد دچار تحول و دگرگونی می شود. سنایی در آغاز، حیات دنیوی را جایگاه عیش و نوش و کامجویی می دانست ولی پس از دگرگونی روحی با برخورداری از نگرش عرفانی دنیا را جایگاه غولان و دامگاهی پرترس و وحشت می خواند که آدمی باید از آن حذر کند. تلقی سنایی درباره مرگ نیز گسترده است و از جنبه عرفانی و اجتماعی برخوردار است. او درباره مرگ بحث های همچون موت ارادی، شهادت، مرگ لحظه به لحظه را عنوان کرده که این افکار عرفانی امتیاز ویژه ای به اشعار وی بخشیده است. او با این نگرش مرگ را با جاودانگی و بقاء الهی پیوند داده است و همگان را به سوی مرگ فرا می خواند. سنایی معاد را مهمترین حلقه در زنجیر زندگی دانسته و بر این باور است که معاد به تمامی زندگی و مرگ انسان و تلاش و تکاپوهایش معنا می بخشد. اوصاف و احوال قیامت، بهشت و دوزخ، چگونگی روز رستاخیز و حشر آدمیان به طور گسترده در دیوان اشعار وی مطرح شده است. رساله حاضر در سه فصل تدوین شده است. فصل اول: حیات، فصل دوم: ممات، فصل سوم : معاد. در بخش های مختلف این فصول موضوعاتی همچون، عشق، روح، موت ارادی، فنا و بقاء، مرگ لحظه به لحظه، چگونگی معاد، اوصاف و احوال قیامت ... از دیدگاه سنایی مورد بررسی قرار گرفته است. در پایان پژوهش نتایج برآمده از فصول و بخش های مختلف تحت عنوان، نتیجه گیری درج گردیده است.</p>	

سپاس و تشکر:

دروود و سپاس یگانه خالق هستی را که با فیض و الطاف ربانی خویش، موجودات را از نیستی به عرصه هستی رساند و آنان را در راه رسیدن به کمالاتشان هدایت کرد، هزاران سپاس و شکر خداوند را که توفیق به اتمام رساندن این رساله را به من عطا نمود.

در آغاز بهترین سپاس‌های خود را تقدیم به پدر و مادر عزیزم می‌کنم که بزرگترین سرمایه‌ی من در زندگی هستند و از اینکه در تمام طول تحصیلاتم، مشوق من بوده‌اند، از آنها قدردانی کرده و این تلاش ناچیز خویش را تقدیم حضور آنان می‌کنم.

همچنین از زحمات استاد راهنمای پایان‌نامه جناب آقای دکتر اسدالله واحد که همواره با صبر و بردباری و دقت نظر خود، بنده را در انجام هر چه بهتر این رساله راهنمایی کردند و همچنین استاد فرزانه و بزرگووارم، آقای دکتر خلیل حدیدی، استاد مشاور، که در تمام مراحل پایان‌نامه از نظرات صائب ایشان بهره‌مند گردیدم، صمیمانه تقدیر و تشکر می‌کنم.

در ضمن از زحمات دیگر استادان محترم و ارجمندم جناب آقای دکتر مهدی‌پور، دکتر اکرمی، دکتر صدری‌نیا، دکتر اسدی، دکتر اقبالی و سرکارخانم دکتر معدن کن، دکتر پویا، دکتر رسمی که سعادت کسب فیض از محضرشان را داشته‌ام، بی‌نهایت سپاسگزارم.

فهرست مطالب

عنوان

صفحه

مقدمه ۱-۱۳

سنایی پرچمدار عرفان؛ دلایل بررسی نظریات سنایی درباره‌ی جهان هستی، مرگ و رستاخیز؛ حیات، ممات و معاد؛ توجه شاعران پیش از سنایی به موضوع حیات، ممات و معاد؛ اوضاع فرق کلامی در دوره‌ی سنایی؛ مهمترین عقاید اشاعره؛ ویژگی‌های دیوان سنایی؛ سبک سنایی؛ روش انجام کار.

فصل اول: حیات

بخش اول: مقدمه ۱۴-۱۸

حیات در قرآن؛ حیات از دیدگاه عرفانی؛ حیات از دیدگاه حکما؛ انواع حیات.

بخش دوم: آفرینش جهان و موهوبات از دیدگاه دین ۱۹-۲۵

آفرینش انسان از دیدگاه دینی؛ هدفمندی آفرینش از دیدگاه اسلام؛ تمرد شیطان از فرمان الهی؛ اخراج آدم از بهشت؛ آفرینش انسان از دیدگاه قرآن؛ آفرینش انسان در نهج البلاغه؛ آفرینش از دیدگاه سنایی (ضرورت وجود خالق برای هستی؛ خلقت آدم از دیدگاه سنایی؛ هدف از خلقت و حیات مخلوقات و بشر؛ اخراج آدم از بهشت؛ انسان آفریده‌ای از چهار طبع؛ انسان شاهکار خلقت).

بخش سوم: روح منشأ میات ۲۶-۳۱

روح در اصطلاح صوفیه؛ روح از دیدگاه قرآن؛ روح از نظر فیلسوفان؛ انواع روح؛ نظر سنایی درباره‌ی روح (پاکی روح؛ انواع روح از دیدگاه سنایی؛ غذای روح؛ توجه و پرداختن به نیازهای روح؛ هدایتگری روح؛ روح فرستاده‌ی عالم غیب).

بخش چهارم: عشق اساس میات ۳۲-۴۰

ارزش عشق در رابطه با حیات؛ انواع عشق؛ نظر عرفا درباره‌ی انواع محبت؛ تفاوت هجران و فراق؛ عشق عرفانی؛ عشق از دیدگاه قرآن؛ عشق از دیدگاه سنایی (ازلی بودن عشق، عشق مجازی، غیراختیاری بودن عشق، حیات و مرگ عاشقان، عشق رمز حیات، عشق حقیقی، فنای عارفانه، جانبازی در راه عشق، اتحاد عشق و عاشق و معشوق).

بخش پنجم: نظام احسن..... ۴۱-۴۳

نظام احسن در حیات؛ نظام احسن در عرفان؛ نظر سنایی درباره‌ی نظام احسن (تناسب در نظام احسن، مرگ در نظام احسن).

بخش ششم: درد و رنج در زندگی..... ۴۴-۴۷

درد و رنج در قرآن؛ توصیه به صبر در برابر غم و اندوه؛ نظر سنایی درباره‌ی غم و اندوه در زندگی (دنیا و غم و اندوه؛ دعوت به عیش و خوشگذرانی؛ خواسته‌های دنیوی سنایی).

بخش هفتم: نگرش قلندریه درباره‌ی میات..... ۴۸-۵۱

قلندریه از دیدگاه سنایی (می و می‌پرستی از دیدگاه سنایی؛ زنا بستان؛ رند؛ عشق و قلندریه؛ فنا؛ حقیقت رندی).

بخش هشتم: مدح و میات دنیوی..... ۵۲-۵۵

انواع مدح؛ سنایی شاعری مدیحه‌سرا؛ مدایح دنیوی سنایی (ستایش حق تعالی؛ نعت حضرت رسول؛ مدح امام هشتم)؛ مدح دنیوی (مدح شاهان و بزرگان)؛ زندگانی حقیقی سنایی.

بخش نهم: اخلاق در میات..... ۵۶-۶۱

هدف اخلاق؛ اهمیت اخلاق در اسلام؛ حیات و اخلاق از دیدگاه سنایی (نکوهش حرص و شهوت؛ توصیه به احسان و نیکی؛ توصیه به عزلت و قناعت؛ دعوت به خویشتن‌داری؛ نکوهش کبر و غرور؛ دعوت به دوری از حسد؛ سفارش به مردانگی و استقامت؛ نکوهش ظلم و ستمکاری).

بخش دهم: توصیف میات دنیوی..... ۶۲-۷۰

دنیا از دیدگاه مومنان و کافران؛ اصالت حیات دنیوی از دیدگاه غافلان در قرآن (حقیر بودن کالای دنیا) ماهیت دنیا؛ توصیف حیات از دیدگاه حضرت علی (ع)؛ توصیف حیات از دیدگاه سنایی (وصف دنیا به صورت زندان؛ وصف دنیا بر مثال مردار؛ طرار بودن عالم؛ وصف عالم به صورت منزل؛ وصف عالم به عنوان تیم؛ توصیف زمانه؛ وصف جهان به صورت پیر؛ چاه بودن جهان؛ ستمگر بودن زمانه؛ دنیا گربه‌ی فرزندخوار؛ تشبیه حیات به کلوخ؛ نکوهش حیات دنیوی؛ دنیا‌سرای موقتی؛ گذرا بودن جهان؛ بی‌وفایی دنیا؛ گردنده بودن عالم؛ حيله‌گر و کینه‌کش بودن دنیا).

بخش یازدهم: دین و دنیا ۷۱-۷۶

دین معنای زندگی؛ دین تفسیر زندگی؛ دین از دیدگاه قرآن (دین راست، توحید در عبادت)؛ دین و دنیا از دیدگاه سنایی (ترک دنیا برای دین؛ زندگی در پرتو دین؛ توصیه به دینداری و نکوهش دنیا؛ هدایتگری دین).

بخش دوازدهم: میات معنوی ۷۷-۸۱

حیات معنوی از دیدگاه قرآن نهج البلاغه؛ نظر سنایی درباره‌ی حیات معنوی (توحید؛ وحدت در عالم معنا؛ ترک زندگی مادی برای رسیدن به زندگی معنوی؛ روی آوردن به عزلت از لوازم زندگی معنوی؛ بی‌خویشی از لوازم زندگی معنوی، روی آوردن به فقر؛ فناآخرین مرحله‌ی حیات معنوی).

نتیجه‌گیری ۸۲-۸۴

پی‌نوشت فصل حیات ۸۵-۸۶

فصل دوم: مامت**بخش اول: مقدمه** ۸۷-۹۳

القاب و کینه‌های مرگ؛ تعبیر قرآنی مرگ در قرآن؛ هدف از مرگ در قرآن؛ مرگ در اصطلاح عرفانی (اقسام مرگ از دیدگاه عرفا)؛ مرگ در نهج البلاغه (مرگ پایان زندگی)؛ مرگ از دیدگاه پیشینیان؛ رابطه مرگ با معاد؛ تاثیر مرگ در زندگی.

بخش دوم: مرگ قانون عمومی ۹۴-۹۸

مرگ قانون عمومی از دیدگاه قرآن؛ مرگ قانون عمومی از دیدگاه سنایی (مرگ قانون عمومی از دیدگاه عارفانه سنایی).

بخش سوم: مرگ و اجل مسمی ۹۹-۱۰۱

اجل مطلق؛ اجل مسمی؛ تفاوت اجل مطلق و مسمی؛ مرگ و اجل مسمی از دیدگاه سنایی (پنهان بودن زمان اجل).

بخش چهارم: هراس از مرگ ۱۰۲-۱۰۵

تاثیر ایمان در هراس از مرگ؛ نظر فلاسفه الهی درباره‌ی هراس از مرگ؛ ترس از مرگ از دیدگاه قرآن؛ هراس از مرگ در نهج‌البلاغه (علل ترس از مرگ از دیدگاه حضرت علی (ع))؛ هراس از مرگ از دیدگاه سنایی (مرگ رساننده‌ی آدمی به آرامش؛ نجات بخش بودن یاد حق).

بخش پنجم: مرگ و حسرت ۱۰۶-۱۰۹

دلایل حسرت؛ حسرت مومنان و کافران؛ مرگ و حسرت از دیدگاه قرآن؛ مرگ و حسرت از دیدگاه نهج‌البلاغه؛ مرگ و حسرت از دیدگاه سنایی (افسوس از دست دادن فرصتها).

بخش ششم: غفلت از مرگ ۱۱۰-۱۱۶

انواع معشوق‌های دنیوی؛ غفلت از مرگ از دیدگاه قرآن؛ غفلت از مرگ در نهج‌البلاغه؛ غفلت از مرگ از دیدگاه سنایی (جهل مهمترین عامل غفلت؛ غفلت آدمی از مرگ؛ علل غفلت از مرگ).

بخش هفتم: اشتیاق به مرگ ۱۱۷-۱۲۱

اشتیاق به مرگ در قرآن؛ اشتیاق به مرگ در نهج‌البلاغه (ثمره‌ی شوق مرگ)؛ اشتیاق به مرگ از دیدگاه سنایی.

بخش هشتم: مرگ مومنان و کافران ۱۲۲-۱۲۵

مرگ مومنان؛ مرگ مومنان در قرآن؛ مرگ مومنان در روایت؛ مرگ بدکاران؛ مرگ ظالمان در قرآن؛ مرگ مومنان و کافران از دیدگاه سنایی.

بخش نهم: مرگ و قضا و قدر ۱۲۶-۱۳۲

قضا و قدر از منظر قرآنی (اختیار و قضای الهی؛ جبر و قضای الهی)؛ قضا و قدر از دیدگاه نهج‌البلاغه؛ قضا و قدر از دیدگاه سنایی (اعتقاد به جبر و ردّ اختیار؛ تاکید بر اختیار آدمی در انجام اعمال نیک و بد؛ نه جبر و نه اختیار).

بخش دهم: مرگ و افلاق ۱۳۳-۱۴۰

اخلاق؛ هدف اخلاق؛ ارتباط مرگ و اخلاق؛ تاثیرات اخلاقی یاد مرگ؛ مرگ و اخلاق از دیدگاه قرآنی (عبرت از پیشینیان و توبه؛ در نکوهش غرور؛ در نکوهش آرزوها).

یاد مرگ و اخلاق از دیدگاه نهج البلاغه و روایات (یاد مرگ و پرهیزگاری)؛ مرگ و اخلاق از دیدگاه سنایی (دعوت به خودشناسی و فروتنی و نکوهش غرور؛ ترک دلبستگی به دنیا و دعوت به وارستگی؛ بازداشتن از آرزوهای طولانی؛ نکوهش حرص و طمع و دعوت به قناعت و زری؛ نکوهش غیبت و دعوت به اطاعت خداوند؛ عبرت‌پذیری از احوال گذشتگان).

بخش یازدهم: مرگ افتیاری یا موت ارادی ۱۴۱-۱۵۲

فنا؛ فنا از نظر صوفیه؛ مرگ ارادی مقام فناست؛ انواع فنا؛ حدیث موتوا قبل ان تموتوا؛ موت ارادی در نهج البلاغه؛ موت ارادی از دیدگاه سنایی (اسوه‌های موت ارادی در دیوان سنایی؛ طلب فنا برای بقا؛ فقر و فنا؛ فنا و دین؛ موت ارادی و عشق).

بخش دوازدهم: شهادت ۱۵۳-۱۵۸

ویژگی شهادت؛ تعریف شهید؛ شهادت در تاریخ اسلام؛ شهادت در قرآن؛ چگونگی حیات جاودانی شهیدان؛ امام حسین (ع) سالار شهیدان؛ شهادت از دیدگاه سنایی (زنده بودن شهید).

بخش سیزدهم: مرگ لمظه به لمظه ۱۵۹-۱۶۱

مرگ لحظه به لحظه از دیدگاه سنایی

نتیجه‌گیری ۱۶۲-۱۶۴**پی‌نوشت فصل ممات** ۱۶۵-۱۷۰**فصل سوم: معاد****بخش اول: مقدمه** ۱۷۱-۱۷۳

معاد از دیدگاه قرآن؛ معاد از نظر فلاسفه و عرفا.

بخش دهم: رستاخیز، روز کشف حقایق ۱۷۴-۱۸۰

گواهان رستاخیز؛ رستاخیز روز کشف حقایق، از دیدگاه قرآن؛ اشکال مردم در روز محشر؛ رستاخیز و کشف حقایق از دیدگاه سنایی (حق تعالی آگاه از حقایق؛ رستاخیز روز رسوایی؛ قریب الوقوع بودن در رستاخیز؛ رستاخیز و رسوایی مدعیان؛ رستاخیز و اعمال آدمی؛ حشر آدمیان به شکل حیوانات؛ قرآن و رستاخیز).

بخش سوم: اوصاف و احوال قیامت ۱۸۱-۱۸۷

احوال قیامت از دیدگاه قرآن؛ اوصاف و احوال قیامت در نهج البلاغه؛ اوصاف و احوال قیامت از نظر سنایی (زمین‌لرزه به هنگام رستاخیز؛ طولانی بودن روز رستاخیز؛ رویت الهی در روز قیامت؛ قیامت، یوم الجمع؛ رعب در روز قیامت؛ رستاخیز پایان ظلم و ستم؛ رستاخیز پایان تبعیض؛ رستاخیز محضر عشاق؛ توشه‌ی رستاخیز).

بخش چهارم: قیامت روز گرفتن نتیجه‌ی اعمال ۱۸۸-۱۹۱

قیامت روز گرفتن نتیجه‌ی اعمال در قرآن؛ قیامت روز نتیجه گرفتن از اعمال از نظر سنایی (مجازات و پاداش اخروی؛ مجازات بی‌دینان؛ پاداش برابر اعمال؛ مجازات معشوقان؛ مجازات بدعت‌گزاران).

بخش پنجم: اوصاف دوزخ و دوزخیان ۱۹۲-۱۹۶

توصیف دوزخ در قرآن؛ نام درهای دوزخ؛ اوصاف دوزخ و دوزخیان از نظر سنایی (نجات‌بخشی رسالت انبیاء؛ حرکت جز به سوی کل؛ ایمان راه‌هایی؛ دوزخ جایگاه بدعت‌گزاران و مدعیان).

بخش ششم: اوصاف بهشت و بهشتیان ۱۹۷-۲۰۲

اوصاف بهشت و بهشتیان از دیدگاه قرآن؛ سنایی و اوصاف بهشت و بهشتیان (بهشت ثمره‌ی طاعت الهی؛ بهشت نتیجه‌ی اعمال؛ حوریان بهشتی).

بخش هفتم: نفع صور ۲۰۳-۲۰۶

نفع صور در قرآن؛ نفع صور از دیدگاه سنایی.

بخش هشتم: شفاعت ۲۰۷-۲۱۲

شفاعت در قرآن؛ محروم شدن از شفاعت؛ شفاعت از دیدگاه سنایی (پیامبر اکرم (ص) شفیع آخرت)

بخش نهم: اخلاق و معاد ۲۱۳-۲۱۷

اهمیت معاد و اخلاق؛ معاد و اخلاق از دیدگاه سنایی (تقوا توشه‌ی قیامت؛ نکوهش زراندوزی؛ توصیه به امانت‌داری؛ غنیمت شمردن لحظات زندگی؛ عاقبت اندیشی؛ توصیه به پاکدلی؛ نکوهش مدعیان).

بخش دهم: معاد جسمانی و روحانی ۲۱۸-۲۲۴

اقوال و نظریات بزرگان و دانشمندان در این زمینه؛ معاد و قرآن؛ نظر سنایی درباره‌ی معاد جسمانی و روحانی.

بخش یازدهم: میات، ممات و معاد ۲۲۵-۲۲۹

حیات و ممات (ذات و حیات، ممات و صفات)؛ حیات و معاد (راستی نظام هر دو سرا، حشمت و نعمت بلای دو جهان؛ رستگاری دو عالم؛ قرآن کلید رهایی؛ به یاد دو عالم بودن نشان گمراهی؛ همّت لازمه‌ی هر دوسرا؛ عزلت راه کسب دو عالم؛ ترک هستی برای نیستی؛ روح هدیه الهی)؛ حیات، ممات و معاد.

نتیجه‌گیری معاد ۲۳۰-۲۳۲

نتیجه‌گیری ۲۳۳

پی‌نوشت فصل معاد ۲۳۴-۲۳۵

فهرست منابع و مآخذ ۲۳۶-۲۴۰

مقدمه:

اندیشه دربارهٔ حیات، مرگ و زندگی بعد از مرگ از مهمترین موضوعاتی است که همواره مورد توجه و تأمل انسانها واقع شده است؛ به طوری که اندیشمندان و شاعران صاحب فکر به تناسب فکر و مذهب و محیط شناختی که از جهان پیرامون و تجربیات فردی و اجتماعی خویش کسب می‌کنند به گونه‌های مختلف درصدد پاسخگویی به این سؤالات بر می‌آیند:

ترکیب پیاله‌ای که در هم پیوست بشکستن آن روا نمی‌دارد مست
چندین قد سرو و نازنین و سرو دست از بهر چه ساخت وز برای چه شکست؟
«خیام، ص ۲۶»

یا فیلسوف بزرگ بوعلی سینا چنین می‌گوید:

از قعر گل سبزه تا اوج زحل کردم همه مشکلات گیتی را حل
بیرون جستم ز قید هر مکر و حیل هر بند گشاده شد مگر بند اجل

بدیهی است که این موضوع در انسانهای فرهیخته و صاحب ذوق و فکر که دارای روح لطیف و اندیشه‌های والا هستند، مفهوم متفاوت با نظر عامه دارد؛ به همین دلیل شناخت درون مایه‌های اشعار شاعران بزرگی همچون سنایی پیوند عمیقی با سه محور حیات، ممات و معاد دارد.

ای کاشکی ز مادر گیتی نزادمی یا پس چو زاده بودم جان را بدادمی
چون زادم و ندادم آن گزیدمی کاندرد دهان خلق بنیکی فتادمی
(سنایی، دیوان ص ۱۱۰۱)

سنایی پرچمدار عرفان:

حکیم سنایی از شاعران بلند پایه و عالیقدر قرن پنجم و ششم ه.ق است که با خلق آثاری همچون دیوان اشعار و حدیقه الحقیقه توانست تحولی بزرگ در گسترهٔ ادب فارسی، به ویژه ادب عرفانی به

وجود آورد، به گونه‌ای که شاعران دوره‌های بعد از جمله مولانا و عطار از این سرچشمه عرفانی برخوردار شدند و شعر عرفانی را به اوج شکوه و کمال خود رساندند.

عطار روح بود و سنایی دو چشم او ما در پی سنایی و عطار آمدیم

(مولوی، ۱۳۶۵، ص ۷۳)

سنایی از جمله شاعران درباری است که در سیر صعودی خویش به یک شاعر عارف تغییر یافته و در همه ادوار تاریخ ادب ایران به دلیل صاحب سبک و اندیشه بودن مورد توجه واقع شده است، از این رو بررسی اندیشه‌های وی در تمامی ابعاد زندگی و مرگ و رستاخیز حائز اهمیت فراوانی است.

دلایل بررسی نظریات سنایی درباره‌ی جهان هستی، مرگ و رستاخیز:

- ۱- سنایی از جمله شاعرانی است که آثار وی از شاهکاری ادبی ایران به شمار می‌آید. و آشنایی با اندیشه‌های وی در مورد جهان هستی موجب شناخت بهتر اشعار و شخصیت درونی شاعر می‌شود.
- ۲- برخوردارگی از سبک و شیوه‌ای نو در شعر و رهایی از تقلید که باعث شد شعر فارسی با برخوردارگی از مفاهیم عرفانی جان تازه‌ای بگیرد.
- ۳- به دلیل شخصیت باز و تکرگرای وی.
- ۴- زندگی پرفراز و نشیب شاعر، پشت پا زدن وی به زندگی درباری و روی آوردن وی به عرفان.
- ۵- اشباع دیوان سنایی از این مقوله (حیات، ممات و معاد).

۶- دوره‌ای که سنایی در آن می‌زیست یکی از مهمترین ادوار تاریخ فکری و مذهبی ایران به شمار می‌آید زیرا اوضاع عقاید دینی و مذاهب در آن دوره دچار تحول شده و افراط و سخت‌گیری در اعتقادات مذهبی، پایه و اساس حیات اجتماعی مردم را تشکیل می‌داد.

در نتیجه با وجود چنین وضعی در جامعه، شاعران صاحب اندیشه بیش از دیگر اقشار جامعه تحت تأثیر قرار می‌گرفتند. دربارهٔ اوضاع عقاید و مذاهب در دوره‌ی سنایی باید گفت که بیشتر امرا و سلاطین این عصر و مردمان بر مذهب «اهل سنت» و تابع اعتقادات این مذهب بودند.

سخت‌گیری غزنویان و سلاجقه نسبت به «شیعه» و «اسماعیلیه» در حقیقت جنبه‌ی سیاسی داشت اما این سیاست چندان نپایید و شیعیان ایران به دستگاه‌های دولتی سلجوقیان راه یافتند حتی یکی از بزرگان شیعی مذهب به نام «تاج‌الملک ابوالغنائم قمی» به جای «نظام‌الملک» به وزارت نیز رسید.

قدرت یافتن شیعه در قرن ششم هجری سبب گردید که شیعیان برای نشر مذهب خود تلاش بیشتری انجام دهند و در تظاهرات مذهبی‌شان آزادی بیشتری حاصل کنند و شاعران شیعی مذهب نیز در اثبات حقانیت پیشوایان خود و ذکر مناقب آنان اشعاری بسرایند. [صفا، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۱۳۶-۲۰۱]

حیات، ممات و معاد:

آغاز خلقت، حیات دنیوی و هدف از زندگی و پایان آن از سؤالات دیرینه‌ی بشر است و سؤالاتی نظیر اینکه آیا مرگ پایان زندگی است یا پس از مرگ نیز زندگی هست یا نه؟ همواره ذهن انسان را به خود مشغول داشته است. متفکران، فیلسوفان، عارفان و شاعران با دیدگاه‌های گوناگون و

گاه متضاد به بیان این موضوعات پرداخته‌اند؛ یکی از مهمترین مباحثی که در دیوان سنایی به آن توجه ویژه‌ای شده، موضوع حیات است.

حیات از نظر وی دارای دو بعد است: ۱- بعد مادی ۲- بعد معنوی

حیات مادی با تمام ویژگی‌هایش همچون خوشگذرانی، عشرت طلبی، می‌نوشی و برخورداری از مواهب حیات در دیوان اشعار سنایی منعکس شده است، این موضوع با در نظر داشتن اینکه وی در آغاز کار خود شاعری درباری و مدح سرا بوده کاملاً طبیعی است. حیات معنوی او در سایه‌ی تحول فکری وی رخ داد و سبب گردید که او به عالم ظاهر پشت پا زده و از عالم مادی دست کشد و به یاری فکر حقیقت‌جو در جستجوی حقایق برآید و از این به بعد است که دوره‌ی تفکر یا زندگانی حقیقی سنایی آغاز می‌شود؛ افکار وی سرا پا عوض شده و سخنان وی عمق و غور عجیبی می‌یابد، به گونه‌ای که وی نکوهش حیات دنیوی و پرداختن به حیات معنوی و روح را وجهه‌ی همت خویش قرار می‌دهد و اشعار وی رنگ و بوی دیگر به خود می‌گیرد. این موضوع سبب می‌شود تا سنایی دنیامدار به عارفی خداجوی تبدیل شود و حیات دنیوی در چشم وی رنگ بازو و اذعان دارد که دنیا دامگاهی بیش نیست و یا اینکه دنیا قفس تنگی است که باید آنها را رها کرد و رفت. به نظر وی هدف از آفرینش، معرفت خدا، عبادت، احسان، لطف و عشق او است. تن انسان خاکی و روح او خدایی و پاک است و آدمی باید با تکامل معنوی خویش دریچه‌ای رو به سوی عالم بالا بگشاید. سنایی به مرگ مفهومی تازه می‌بخشد، از نظر وی مرگ انسان زوال و نابودی نبوده بلکه انتقالی است از عالمی به عالم دیگر که راز تکامل بشر در آن نهفته شده است و آزادی روح در گرو مرگ طبیعی است؛ موت ارادی (فنا) از مهمترین موضوعات عرفانی است که سنایی درباره‌ی مرگ مطرح کرده است او از بین بردن هواهای نفسانی و امیال شیطانی را از ضروریات سیر و سلوک عرفانی

می‌داند که بدین وسیله انسان پیش از مرگ طبیعی با موت ارادی و با فنا کردن جسم، به بقا و جاودانگی می‌رسد.

توجه شاعران پیش از سنایی به موضوع حیات، ممات و معاد:

می‌خواه و طرب جوی و ز بهر طرب خویش می‌را سببی‌ساز و بر اندیش و **بر آغال**
(دیوان فرخی، ص ۲۱۹)

توانگرم بغلام و توانگرم بستور توانگرم بنشاط و توانگرم بسرور
لباس من بهاران ز توی **قصبست** به تیرماه خنز قیمتی و **قز و سمور**
(همان، ص ۱۹۷)

در دیوان شاعرانی همچون فرخی، رودکی و منوچهری عشق به زندگی و جلوه‌های گوناگون آن به چشم می‌خورد و در حیات دنیوی این شاعران هر چیز و هر کس که لذتی برای آنها داشت، دوست داشتنی بود و شاعر همه را به برخورداری از نعمتهای دنیوی و التذاد و خوش‌گذرانی فرا می‌خواند؛ سطح فکری شاعرانی همچون **فرخی** و منوچهری در حوزه‌ی هستی (حیات، ممات و معاد) با شاعرانی همچون سنایی، حافظ و مولانا قابل مقایسه نیست؛ بلکه سخنان شاعران پیش از سنایی با همه‌ی طرب‌انگیزی توخالی است و در آنها اندیشه‌ی عمیقی در هیچ کدام از ابعاد زندگی به چشم نمی‌خورد که فکر و روح انسان را سیراب کند و او را از دنیای مادی و محیط اطراف لحظه‌ای فراتر برد و زیبایی‌هایی عالم معنا را به روی وی بگشاید و به حق باید گفت که اگر شاعرانی همچون سنایی نبود، شعر فارسی در دنیای محدود مدیحه‌سرایان گرفتار و از معانی بلند و عمیق درباره‌ی جهان هستی بی‌نصیب می‌ماند. [یوسفی، غلامحسین، ۱۳۷۰، ص ۴۹۰-۴۸۸]

اوضاع فرق کلامی در دوره‌ی سنایی:

برای آشنایی با اندیشه‌های سنایی در سه بعد (حیات، ممات و معاد) ناگزیر بایستی به اوضاع فرق کلامی رایج در آن دوره پرداخت، در روزگار سنایی فرق مختلف کلامی با اقتدار فرقه‌ی اشعری به حیات خود ادامه می‌دادند؛ در این دوره اختلاف در مسایل کلامی بیش از همه‌ی مسائل دیگر مذهبی رایج بود و ائمه‌ی روزگار برای بحث و مناظره‌ی مذهبی به آموختن علمی نظیر: خلاف، اصول، کلام و امثال آنها نیاز داشتند، به همین سبب علمای این زمان پس از بررسی و مطالعه کتب متعددی در شاخه‌های مختلف علم کلام، منفرد و متمایز شده‌اند. در این دوره بر اثر نضج مذاهب شیعه و ظهور علمای بزرگ آن فرق، متکلمان بزرگی از بین آنان برخاسته‌اند که از میان آنان باید به فرقه‌ی شیعه‌ی اثنی عشری و شیعه‌ی اسماعیلیه اشاره کرد، مهمترین مذهب کلامی این عهد، مذهب اشعری است البته مذهب اعتزال نیز در عراق، خوارزم و ماورالنهر مختصر نیرویی داشت. در واقع این دوره، صحنه‌ی آخرین کشاکش‌های معتزله و اشاعره بود و شگفت آن که معتزله در بحث‌های مربوط به ترجیح عقل و ردّ تقلید، بر اثر حمایت و همراهی بعضی از امرای ترک یا سلاطین سلجوقی همچون سلطان مسعود بن محمد بر مخالفان خود پیروز شدند. در این زمان اشاعره نیرومندترین فرقه‌ی کلامی محسوب می‌شدند و قسمت وسیعی از بلاد مشرق ایران را تحت نفوذ خود داشتند، از میان اشاعره دانشمندان بزرگی برخاسته‌اند که همگی آنان نیز دارای تالیفات فراوان و متعددی هستند. [صفا، ج ۲،

۱۳۶۹، ص ۲۶۵-۲۷۱]

برای شناخت بهتر نظریات سنایی به اختصار به مهمترین عقاید اشاعره اشاره می‌شود:

۱- عدم وحدت صفات با ذات.

۲- شمول قضا و قدر الهی در همه‌ی حوادث.

- ۳- شرها همچون خیرها از سوی خداست.
 - ۴- نفی اختیار از بشر و مخلوق بودن اعمال وی.
 - ۵- حسن و قبح افعال شرعی است نه ذاتی.
 - ۶- رعایت لطف و اصلح بر خدا واجب نیست.
 - ۷- قدرت انسان بر فعل، همراه با فعل است نه مقدم بر آن.
 - ۸- تنزیه یعنی هیچ‌گونه شباهت و همانندی بین خدا و غیر خدا وجود ندارد.
 - ۹- انسان خالق اعمال خود نیست بلکه کسب‌کننده‌ی آن است.
 - ۱۰- رویت در قیامت ممکن خواهد بود.
 - ۱۱- فاسق مؤمن است نه کافر.
 - ۱۲- خداوند ممکن است افراد بدون توبه را عفو کند.
 - ۱۳- شفاعت اشکالی ندارد.
 - ۱۴- کذب و خلف وعده بر خدا جایز نیست.
 - ۱۵- عالم حادث زمانی است.
 - ۱۶- کلام نفسی خدا قدیم است.
 - ۱۷- غرضی در افعال الهی نیست.
 - ۱۸- تکلیف مالایطاق مانعی ندارد. [مطهری، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۵۲-۵۳]
- آشکار است که سنایی نیز مطابق با افکار و عقایدی که در آن دوره رواج داشته، تحت تاثیر عقاید اشاعره قرار گرفته است مانند اعتقاد به «قدم قرآن» که سنایی با اعتقاد کامل به قدم کلام خدا، مخالفان این نظریه به خصوص معتزله را مورد نکوهش قرار می‌دهد و می‌گوید:

ور خـری اعتـزال میـورزد	او بر بو حنیفه جو نـرزد
هر که در بند قیل ها افتاد	عقل او در عقیله ها افتاد
سخنش را ز بس لطافت و ظرف	صدمت صوت نی و زحمت حرف
صفتش را حدوث کی سنجد	سخنش در حروف کی گنجد
وهم حیران زشکل صورتهاش	عقل واله ز سر صورتهاش

(سنایی، حدیقه، ص ۱۷۴)
(همان، ص ۲۷۹)
(همان، ص ۱۷۱)

با این وجود، وی در برخی موارد همچون پذیرش امامت علی (ع)، اعتقاد به لعن و نفرین، نفی رویت حق تعالی، از اصول اعتقادی اشاعره عدول کرده است که این موضوع سبب گردیده تا برخی وی را به خاطر این گرایش‌های شیعی گرایانه، شیعی مذهب قلمداد کنند؛ به عنوان نمونه:

دوستدار رسول و آل ویم	زانکه پیوسته در نوال ویم
گر بدست این عقیده و مذهب	هم بر این بد بداریم یا رب
من زبهر خود این گزیدستم	کاندرین ره نجات دیدستم
هر که گوید که خدا را بقیامت بتوان دید	او نبیند بحقیقت نه از آن گمشدگانم

(همان، ص ۷۴۶)
(همان، ص ۳۸۸)

در این ابیات نیز قاتلان امام حسین (ع) را لعن و نفرین می‌کند:

داستان پسر هند مگر نشنیدی	که از او بر سر اولاد پیمبر چه رسید
او به ناحق، حق داماد پیمبر بستد	پسر او سر فرزند پیمبر بیرید
بر چنین قوم تو لعنت نکنی، شرمت باد	لعن الله یزیداً و علی آل یزید

(سنایی، دیوان، ص ۱۰۷۲)

ویژگی‌های دیوان سنایی:

دیوان سنایی از آن جهت که تغییر و تحولات اندیشه و مرام و شیوه‌ی سنایی در آن آشکار است، بهترین راه برای شناخت نظریات وی در سه بعد حیات، مemat و معاد بوده و در واقع در دیوان می‌توان ابتدا و انتهای فکر او را دریافت؛ از همین رو دیوان وی را تاریخ تحولات فکری او نامیده‌اند، آن‌چنان که برخی از ادبا بر این باورند که دیوان او دارای اشعاری است که به مراتب برتر از حدیقه است، لذا دیوان سنایی برای شناخت جهان‌بینی وی مناسبتر و شایسته‌تر است. [طغیانی، اسحاق ۱۳۸۶، ص ۴]

یکی دیگر از ویژگی‌های دیوان سنایی، آراسته شدن آن به آیات و احادیث و اخبار است، به گونه‌ای که این روش، سبکی خاص را در اشعار او به وجود آورده است؛ این ویژگی به خاطر اطلاعات وسیعی بوده که وی در حوزه‌های مختلف همچون قرآن، فلسفه، تفسیر و نجوم،... داشته است. در پایان‌نامه‌ی حاضر نیز سعی گردیده تا حد امکان به آیات و احادیثی که سنایی در مورد حیات، مemat و معاد مدنظر داشته است، پرداخته شود.

سبک سنایی:

سنایی در آغاز، از سبک عنصری و فرخی پیروی می‌کرد و بیشتر به روش فرخی تمایل داشت که این شیوه در اشعار وی به وضوح دیده می‌شود، وی در این طریق مهارت و استادی کم‌نظیری داشت. البته می‌توان گفت که اشعار او پیچیده‌تر از اشعار فرخی است و این به خاطر اطلاعات وسیعی است که وی در حوزه‌های مختلف دارد او پس از چندی بر اثر تغییر حالی که در او ایجاد شد، روش دیگری در پیش گرفت و کم به نظم اشعار زهدی و توحیدی و پند و نصیحت